

بررسی تربیت دختران از نظر فقه امامیه

افسانه محمدنژاد^{۱*}، دانش نصیری نیا^۲

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد

Afsaneh1396.m@chmail

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تربیت دختران از نظر فقه امامیه می‌باشد. مقصود ما در اینجا بررسی تربیت دختران از لحاظ فقهی و دین اسلام است؛ تربیت کودک از حقوق به رسمیت شناخته شده در فقه امامیه است. از دیدگاه متون فقهی، تربیت دختران متمایز از تربیت پسران است. علاوه بر تفاوت‌هایی که از سوی روانشناسان و جامعه‌شناسان به اثبات رسیده است، آموزه‌های متعدد دینی هم، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، به تفاوت‌های تکوینی بین زن و مرد اشاره کرده‌اند. حیطه‌های تمایز تربیت آن‌ها شامل اهداف، اصول و روش‌ها می‌باشد. دسته‌ای از اهداف تربیتی به انسانیت انسان جدای از جنسیت او برمی‌گردد. اما دسته‌ای از اهداف بنا بر شرایط جسمی و روحی دختران و نقش‌ها و وظایف ویژه آن‌ها، در تربیت آنان ضرورت خاصی دارد و در رابطه با اصول تربیتی نیز، دسته‌ای از اصول برگرفته از اهداف عام تربیتی است. ولی دسته‌ای دیگر، بنا بر شرایط ویژه دختران در تربیت آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای و مکتوب کوشیده می‌شود به تبیین مفهوم و اهمیت مبحث تربیت دختران از نظر فقه امامیه و دین اسلام پرداخته شود. این پژوهش تلاشی است جهت روشن کردن امر تربیت دختران از نظر منظر فقه امامیه و این که اتخاذ روش‌ها باید دربرگیرنده مقتضیات فطری و طبیعی و ضرورت‌های اجتماعی افراد باشد. بنابراین، در عین حال که روش‌های واحدی برای تربیت دختران و پسران به کار می‌رود، در تربیت دختران ملاحظات خاصی از سوی متون فقهی و دین اسلام وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: تربیت دختران، اقسام تربیت، مسائل تربیتی، فقه امامیه

۱- مقدمه

حسب مقتضیات و یا پیشینه فرهنگی و اجتماعی اعصار مختلف، حقوق دختران فراز و نشیب‌های فراوانی را دیده و در قرون متمادی، حقوق دختر مورد بی‌مهری واقع شده است. با رشد آگاهی‌های بشری، خصوصاً با ورود مکتب حیات‌بخش اسلام جایگاه دختر تغییر اساسی پیدا نموده و مفاهیم عمیق اسلامی، شأن و منزلت دختر را دگرگون ساخت. هر چند برخی کج‌اندیشی‌ها تفسیری متفاوت از وجهی دختر نشان داده است؛ ولی این به معنای هویت واقعی دختر نبوده، بلکه تفاسیر حقیقی و واقعی، خصوصاً از منظر اسلامی، نشان از تحول حقوق دختر و جایگاه ممتاز

^۱ - کارشناسی ارشد الهیات گرایش مبانی حقوق اسلامی

^۲ - کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش مدیریت برنامه ریزی آموزشی

آن در دگرگونی تحولات و فرایند فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع دارد. اگر سیستم‌های حکومتی استثماری ستم‌مدارانه انسان‌ها در قرون متمادی از دختر، صرفاً به عنوان ابزاری برای رسیدن به آمال و آرزوهای واهی استفاده نموده‌اند، اما مبانی تفکر اسلامی، شخصیت واقعی زن را در جهت تحکیم بنیان خانواده ذکر می‌نماید و او را با فضایل اخلاقی و ارزش‌های والای انسانی معرفی و ملاک برتری را صرف جنسیت نمی‌داند؛ لذا رشد تکامل شخصیت دختر نیز به تبع جنسیت نیست. این مهم تا جایی اهمیت می‌یابد که غضب و رضایت او خشم و خشنودی خداوند را در پی دارد. پیامبر مکرم اسلام (ص) می‌فرماید: «ان الله لغضب فاطمه و یرضی لرضاهها» همانا خداوند از غضب فاطمه غضبناک و از خشنودی او خشود می‌شود [۱]. به نظر می‌رسد آنچه که در ادوار مختلف و جوامع، تعرض به حقوق دختر را سبب شده است، کج فهمی و تفسیر به رأی اشخاص بنا به سلیقه‌های شخصی، برای رسیدن به آرزوهای زوگذر و استثمار دختران بوده است. این در حالی است که نگاه دینی، اصول مسلمی است که احیاء و استیفای حقوق دختر را در بر گرفته و آن را تضمین می‌نماید.

۲- احکام تربیت دختران

می‌دانیم هنوز در برخی خانواده‌ها شوق و علاقه به داشتن پسر به مراتب بیشتر از داشتن دختر است و بدین نظر دختران را به دیده تحقیر می‌نگرند. این امر بر اساس یک مسابقه تاریخی و از جهاتی دارای ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی است. بازمانده‌ای است از افکار جاهلیت راجع به پسر و دختر. اسلام از همان آغاز با این فکر مبارزه کرد و دختران را نه تنها همانند پسران بلکه بیشتر از آنها مورد مرحمت قرار داد و این مرحمت فزون‌تر برای فرونشاندن تب پسر خواهی بسیار مؤثر افتاد [۲].

۳- دو جنسی بودن تربیت

اینکه بین دختر و پسر از جهات گوناگون تفاوت و اختلافی وجود دارد یا نه پاسخ مثبت بود و مسئله جدید این است که آیا این تفاوت و اختلاف در این دو گروه موجب اختلاف در نظام و روش تربیت هم خواهد شد یا نه؟ در بیان پاسخ به سؤال می‌گوییم اکثر مربیان و صاحب‌نظران وجود تفاوت بین دختر و پسر را حتی در جنبه‌های روانی و عاطفی و استعدادها و زمینه‌های ذهنی قبول دارند و می‌گویند که از این دید آنها دو دنیای متفاوت را در عالم پدیده‌ها و آفریده‌ها که کاملاً از هم جدا هستند تشکیل می‌دهند ولی اساساً مسأله ایجاب نمی‌کند که درباره امر تربیت آنها تفاوت‌هایی را قائل گردیم. حال این سؤال مطرح می‌شود دلایل دو جنسی بودن تربیت چیست؟ برای پاسخ به این سؤال با اشاره به اینکه اسلام می‌گوید تربیت باید دو جنسی باشد، پس نوعی از آن زنان را شامل گردد و نوعی دیگر

مردان را. ضمن اینکه در کلیات تربیت و در آنچه که مربوط به انسانیت انسان می‌شود این دو شریک‌اند. اما آن دلایل عبارتند از:

۱. **تفاوت در جسم:** در زن و مرد تفاوت‌هایی از نظر اعضای بدن دیده می‌شود که هر کدام از آن‌ها نشان دهنده نوع کار و وظیفه‌ای است که برای آن ساخته شود. در تربیت آنجا که مربوط به زن است جنبه زنانه قضیه و آنجا که مربوط به مرد است باید جنبه مردانه قضیه مورد نظر باشد همین که او دختر است و پسر نیست در آینده‌ای دور یا نزدیک لااقل بر اساس ساختمان بدن به دنیایی از تفاوت‌ها برخورد خواهد کرد که باید بتواند در برابر آنها موضعی صحیح اتخاذ کند. دنیای بلوغ پسر و دختر یکسان نیست، مسأله رشدشان در آن مرحله جداً مسئله است تمنیات و خواسته‌هایی که در اثر رشد برای این دو نسل پدید می‌آید جداً متفاوت است. طبعاً این دو وظیفه تربیت است که به هر کدام مسئله مربوط به خود را بیاموزد. و چه بسیار مسائلی هستند که آگاهی از آن‌ها برای یک دختر ضروری است در حالی که برای پسر نه تنها ضروری نیست بلکه حتی قابل فهم هم نیست.

۲. **تفاوت در روان:** در دنیای زن و مرد تفاوت‌های زیادی از نظر روانی به چشم می‌خورد. چه بسیارند خصلت‌هایی که در زن وجود دارد و در مرد یا نیست و یا بدان درجه شدت نیست. نوع استعدادهایی که در یکی وجود دارد در دیگری با درجات شدت و ضعف است. از آن بابت که آفرینش درباره هر کدام نظری خاص داشته است.

۳. **وجود تفاوت در وظایف:** بر اثر نهضت‌های آزادی طلبانه زنان در غرب فرصت تشابه در انجام وظایف برای آن‌ها پدید آمد و عملاً دیدیم زنان کارهای مردانه می‌کنند. در کارخانه‌ها، صنایع سنگین، در امور نظامی و سیاسی و حتی قضایی وارد شده و سرگرم تلاش شده‌اند. بررسی نشان داده است که خلط وظیفه برای مرد و زن شکست و ناکامی پدید می‌آورد و بدین نظر در عین پذیرفتن اصل تربیت برای این دو قبول حقوق مساوی برای مرد و زن، نمی‌توانیم برای شأن تربیت مشابه و همانند را بپذیریم. نوع وظایفی که اینان در آینده بر عهده خواهند گرفت تعیین کننده نوع تربیتی است که درباره آن‌ها باید ملحوظ گردد [۳].

۴- اسلام و دوگونگی تربیت

مراجعه به آثار اسلامی و منابع فقهی نشان می‌دهد که اسلام این دوگانگی را پذیرا است. تربیتی را برای پسران و دختران قائل است که با طبیعت فطری و اجتماعی آنان معارض نباشد این نکته ضروری است که این دوگونگی در تربیت دلیل بر امتیاز یکی بر دیگری نیست. ما می‌گوییم با در نظر گرفتن شرایط و امکانات و مقتضیات فطری و طبیعی آن‌ها و بر اساس نظام اسلامی و وظایفی که در این نظام بر عهده هر کدام است به هرکس آنچه را که لایق اوست عطا گردد. فلسفه دوگونگی تربیت بر اساس دو جنس مربوط می‌شود به مقصد و آمال تربیت و انجام وظایفی که از هر یک از این دو جنس در آینده بر عهده خواهند گرفت. اینکه بگوییم زن و مرد در حقوق باید شبیه هم باشند و همانند هم تربیت شوند سخنی دور از اعتدال است و از نظر ما آنان که مسأله تساوی را با تشابه مخلوط می‌کنند و اصرار دارند که این دو نسل بمانند هم و عین هم تربیت گردند حقوق هر دو را نادیده گرفته و به نابودی تلاش هر دو اقدام کرده‌اند [۳].

۵- دختر و حق تربیت

دختر قبل از آنکه دختر باشد انسانی است که در سایه تربیت و عمل، عبادت و تقوا می‌تواند خلیفه خدا گردد و به درجه‌ای برسد که خداوند او را عزیز خود حساب آورد و بر بسیاری از انسان‌های دیگر برتری بخشد. اگر تربیت حقی برای انسانیت به حساب آید ادای آن برای دختر ضروری‌تر است. از آن بابت که اگر زن تربیت شود در حقیقت مردم در دامان او تربیت خواهد شد و برعکس اگر او تربیت نیابد پسر تربیتی نخواهد یافت. از سوی دیگر او انسان است و باید در امور مربوط به حیات اجتماعی شرکت داشته باشد. نقش مشارکت او به مراتب مهم‌تر از نقش مشارکت مرد است. روایات اسلام در توصیه به تربیت دختران بسیار است. پیامبر(ص) فرمود: «آنکس که دختری دارد باید او را تربیت کند.» دختر به مانند امانتی در نزد والدین است که باید رشد کند و پرورش یابد، استعداد او باید در جهت خیر و صلاح به کار افتد، عدم اعتنای به او و به سرنوشت او علاوه بر اینکه عقوبت الهی را در پی دارد و لطمه‌ای به وضع و موقعیت دختر است، موجب صدمه‌ای برای اجتماع هم خواهد بود. این خطا است که نیمی از وجود جامعه و پیکر اجتماع را نادیده بگیریم و مردم را از داشتن مادرانی با تقوا و فضیلت محروم سازیم. در همه حال فراموش نکنیم شأن دختر در آفرینش در درجه‌ای است که درباره‌ی دوشیزه‌ای چون مریم خداوند خود تربیت او را عهده‌دار می‌شود [۴].

۶- ضرورت و اهمیت تربیت دختران

برای اینکه از مغزهای خام امروزی کودکان ثمره‌ای برای فردای جامعه داشته باشیم برای اینکه جامعه بشری در طریق انسانیت و خیر گام بردارد ضروری است امروز دختران را دریابید، به آن‌ها در امروز چیزی بدهید تا فردا بتوانند به اضعاف مضاعف از آنان چیزی بستانند یک دختر امروز مادر چند کودک فردا است؟ همسر و همدوش کیست؟ آیا عضویتی در جامعه انسانی فردا را خواهد داشت یا نه؟ چگونه و چه صورت؟ از او برای فردایش چه توقعی دارید؟ می‌خواهید او چه نقشی را برای شما ایفا کند؟ چه تغییر و تحولی را در جامعه پایه بگذارد؟ آیا حاضرید سرنوشت خود و نسل خود و خانه و زندگی خویش را به دست هر کس بسپارید؟ یا برای آن ضوابطی را قائلید؟ کار تربیت این است که آن ضوابط و ویژگی مورد نظر از طریق تربیت باید به او منتقل شود و تربیت از این دید برای دختران مهم است. ضرورت تربیت دختران از دیدگاه‌های دیگر نیز باید مورد بررسی قرار گیرد که اهم آن‌ها در زیر آمده است.

الف- از لحاظ ادای حق

تربیت برای همه کودکان و از جمله دختران است و در ازای آن برای والدین بدهی و مسئولیت است. این مسئولیت به عنوان تکلیفی از جانب پروردگار و هم از لحاظ عرف و اجتماع بر دوش ماست. ما در سایه این تکلیف

است که وظیفه داریم دختر را بوجهی شایسته بپرورانیم و او را در مسیر هدایت و مصلحت قرار دهیم. این تکلیف بین پدر و مادر مشترک است و اجتماع هم از معلم و مدیر و افراد دیگر با جهت دهی و نظارت‌های خویش باید وسایل و امکانات را در انجام آن فراهم کنند [۴].

ب- از لحاظ خود فرد

دختر انسانی است چون دیگر انسان‌ها، دارای زمینه‌ها و امکانات گوناگونی جهت رشد و تکامل است. این استعدادها باید شکوفا گردند، رشد و پرورش یابند و به مرحله ثمردهی برسند. سهل انگاری در تربیت دختر نه تنها سبب نادیده گرفتن ظرفیت‌های هایی است که خداوند در آفرینش او به کار برده است، بلکه سبب پدید آمدن حالات سخت و شدیدتری خواهد شد که زندگی را برای خود و دیگران دشوار خواهد ساخت [۴].

پ- از لحاظ عضویت جامعه

دختر امروز عضوی از جامعه فردا است و باید برای پذیرش این عضویت آماده گردد. نگه داشتن دختر در تاریکی بی توجهی و سهل انگاری و همگامی و درک و فهم و مسئولیت اجتماعی برای او نباشد. به طور همیشگی ضعیف و مستضعف بماند، لایق تحقیر و استخفاف باشد و در این امر نه عادلانه است و نه وجود زن درخور این استضعاف است. توصیه این است که حتی در عین نادیده گرفتن مکتب. مذهب دختر تربیت یابد، وارد نور و روشنایی هدایت مریبان قرار گیرد، تا عضویت لایق و اندیشیده‌ای برای اجتماع داشته باشد [۴].

ت- از جهت پرورش نسل

از بین دو جنس زن و مرد این زن است که خداوند امر آفرینندگی مجدد و حفظ و پرورش امانت خود را فرزند است به او عطا کرده است. باید دختر را رشد و پرورش داد تا بتواند نسل خود را رشد و پرورش دهد. اسلام برای تربیت فرزندان مادران آگاه، مؤمن و پرهیزکار می‌خواهد، وجود پرورش یافته‌ی آن را رکن اساسی و نیرومند سعادت جامعه‌ی بشری می‌داند و قائل است که اثرات تربیتی او برای همیشه و تا پایان عمر در اذهان خواهد ماند. بدین نظر برای تربیت او اهمیت قائل است و توصیه می‌کند که زمینه را برای صلاحیت و لیاقت او فراهم کنیم [۵].

ج- جنبه اصلاح جامعه

تربیت دختران و اصلاح وضع آن‌ها نقش فوق العاده‌ای در اصلاح جامعه خواهد داشت شکست دنیای امروز در عرصه حیات اجتماعی و کثرت مفاسد و تبه‌کاری‌ها، درگیری‌ها و نابسامانی‌ها تا حدود زیادی مربوط می‌شود به کمبود مادرانی فهمیده و آگاه که به مسائل وظیفه خود روشن و نسبت به انجام آن متعهد باشند [۶].

چ- از لحاظ فرهنگی

تربیت دختران از لحاظ نقش فرهنگی حال و آینده‌ای که آن‌ها بر عهده دارند. نیز در خور اهمیت و ضرورت بسیار است. می‌دانید کودکان نخستین سخن و الفبای تضادشان را از دهان مادران می‌گیرند و مادران از این بابت باید آمادگی بیشتری نسبت به مردان داشته باشند. از سوی دیگر این مادرانند که مسائل فرهنگی و اخلاقی را از نیک یا

بد به فرزندان خود می‌آموزند. تحریف در مفاهیم و با توجه به جنبه‌های سازنده آن، ایجاد عادات در نحوه استعمال لغات و عبارات خود می‌تواند در سازندگی یا ویرانی بنای اخلاق کودکان نقش مهمی را ایفا می‌کند [۶].

۷- روش‌های صحیح تربیت از دیدگاه فقها

با مطالعه آیات قرآن کریم و سخنان پیشوایان دینی در می‌یابیم که اسلام برای مسأله تعلیم و تربیت اهمیت خاصی قائل است. به طوری که قرآن سرلوحه برنامه‌های پیامبران، خصوصاً پیامبر اکرم (ص)، را تربیت انسان (تزکیه) معرفی می‌کند و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ... وَ يُزَكِّيهِمْ وَ...» (سوره جمعه) رسول گرامی اسلام (ص) نیز هدف رسالت خویش را تتمیم مکارم اخلاق ذکر می‌کند: «آنی بعثت لاتمم مكارم الاخلاق» بدون هیچ شکی، اخلاق، پرورش و رشد همه جانبه آحاد ملت اسلامی است [۷].

قرآن کریم در مورد تربیت اطفال در داستان لقمان حکیم از «موعظه» لقمان نسبت به فرزند خود یاد می‌کند و از این موضوع استفاده می‌شود که موعظه (نصیحت، پند، اندرز) از برنامه‌های تربیتی لقمان حکیم بوده که قرآن به آن اشاره نموده است.^۱ این امر اگر چه در قالب داستان بیان شده اما بدون شک مشعر بر آن است که قرآن کریم از زبان لقمان حقیقتی را در مقام اثبات بیان می‌کند و این نشانه آن است که امر تربیت فرزند از نظر قرآن از مسائل مهم به شمار می‌رود. یا آنجا که در قالب توصیه به اهل ایمان امر به مواظبت از خانواده می‌کند،^۲ حکایت از آن دارد که تربیت خانواده و به خصوص فرزندان باید مورد توجه باشد. از طرف دیگر، توجه فرزندان به والدین نیز از اهمیت برخوردار است.

۸- تمایز مبانی تربیتی دختران از پسران از منظر قرآن و روایات

در بیان مبانی تربیتی دختران، ضرورت‌ها و دلایل تمایز تربیت دختران از پسران نظیر شرایط زیستی متفاوت دختران از پسران، شرایط عاطفی و روانی، وظایف متفاوت و شرایط اجتماعی متفاوت دختر و پسر مطرح می‌شود. در ادامه نیز به تفاوت‌های بین زن و مرد از منظر آموزه‌های دینی اشاره می‌گردد.

(۱) شرایط زیستی

- دختران زودتر از پسران به بلوغ می‌رسند [۸].

^۱ «وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يُعِظُهُ» (لقمان، ۱۳).

^۲ همانند تحریم: «۶ قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ»

- دوره استراحت قلب در هر ضربان، در پسرها کوتاه‌تر از دخترهاست و فشار خون حاصل از انقباض قلب بیشتر است. پسرها اکسیژن بیشتری در خون دارند و هموگلوبین آن‌ها (ماده‌ای که اکسیژن را حل می‌کند) پس از بلوغ بیشتر است (گنجی، ۱۳۵۷).

- از همان اوان طفولیت، دختران در رشد زبان، از جمله سن آغاز تکلم، وسعت کلماتی که به کار می‌برند و نیز ساختمان عباراتی که استعمال می‌کنند و اموری نظیر آن، از پسران پیش می‌افتند. بنابر علائم دیگر، ظاهراً برتری از لحاظ استعداد زبانی در مراحل بعد نیز ادامه می‌یابد [۸].

۲) شرایط عاطفی و روانی

- دختران در برابر خواسته‌های والدین و بزرگسالان دیگر تسلیم پذیرترند، اما پسران در برابر این دستورات واکنش‌های متفاوتی دارند [۹].

- زیبایی در دختران لذت ایجاد می‌کند و هر قدر زیبایی‌ها با شرایط روانی و مانوس آنان سازگارتر باشد شدت ادراکشان بیشتر و در نتیجه لذتشان بیشتر است؛ به ویژه در سنین نوجوانی، آن‌ها ارزش‌های مربوط به جمال پسندی را در مرحله اول اهمیت قرار می‌دهند.

- پذیرش دیگران، خصوصیت دیگری است که در زنان بیشتر دیده می‌شود. حتی دختر بچه‌های کودستانی بیشتر وقت خود را با همبازی‌هایشان می‌گذرانند و حال آن‌ها که پسر بچه‌ها بیشتر با اسباب بازی‌های انفرادی و وسایل ورزشی سرگرم می‌شوند [۶].

۳) وظایف متفاوت

دوگانگی در آفرینش زن و مرد عاملی تعیین کننده برای وظایفی است که هر یک عهده‌دار انجام آن در جامعه می‌باشند و نوع وظایفی که دختر و پسر بر عهده می‌گیرند. تعیین کننده نوع تربیتی است که درباره آن‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. خداوند حکیم مرد و زن را به گونه‌ای خلق کرد که متناسب با وظیفه‌ای باشند که در آینده باید انجام دهند. مرد برای مبارزه و مقاومت با مشکلات و موانع خارجی، فعالیت، حیات استقلال، تشکیل خانواده، تحصیل مواد معیشت، پدر شدن و حمایت کردن از زن آفریده شده است. در حالی که زن برای قبول فعالیت، انفعال، ابراز شخصیت، اظهار حب و عاطفه، دوست شدن و محبوب بودن، مهر ورزیدن، مادر شدن، بچه پروردن، خانه‌داری، از خود گذشتگی و فداکاری ساخته شده است. از این نظر است که زن و مرد دارای خلیقات و خاصیت دو موجود کاملاً متمایز و متفاوت می‌باشند. بنابراین، نوع تربیت باید متناسب با نوع وظایفی باشد که دختر و پسر عهده‌دار آن هستند. برای نمونه، مهم‌ترین وظیفه‌ای را که دختران در آینده بر عهده خواهند گرفت ایفای نقش مادری است. از این رو، باید فنون و مهارت‌های لازم را به آن‌ها آموزش داد و این جز از راه تربیت ممکن نیست [۱۰].

۴) شرایط اجتماعی متفاوت

یکی از عناصر بسیار مهم که در تصور و نگرش فرد نسبت به خود اثر می‌گذارد موقعیت یا مقام جنسی اوست. موقعیت یا مقام جنسی در کنار عامل زیستی دربرگیرنده مجموعه‌ای از الگوها و قالب‌های رفتاری است که بصورت نهادی اجتماعی پذیرفته شده که هم بر تصور و نگرش فرد نسبت به خود اثر می‌گذارد و هم بر نگرش و انتظارات جامعه از او اثرگذار است. در واقع، دیدگاه‌ها و نگرش دیگران نسبت به دختران حتی قبل از تولد او مطرح است؛ بسیاری از جوامع، جنین غیرفعال و آرام را دختر و جنین پرتحرک و فعال را پسر می‌دانند. از حدود سه سالگی که دختر به هویت جنسی خود پی می‌برد، انتظارات و نگرش‌های عوامل اجتماعی کننده و به ویژه خانواده، در شکل‌گیری نگرش او نسبت به خود نقش مهم دارد. در یک مطالعه در مورد انتظار، نگرش و رفتار والدین و مربیان کودکان پیش دبستانی، این نتیجه بدست آمد که ۸۸ درصد از مادران ایرانی از دوسالگی دختر را به مراتب کمتر از پسر به استقلال و خودکفایی تشویق می‌کنند، ولی براساس این نگرش که دختر در آینده نقش همسر و مادر دارد، خصوصیات چونی همکاری با دیگران، حساس بودن به نیازهای دیگران و قبول مسئولیت برای دیگران را در او تقویت می‌کنند [۱۱].

۵) توجه عاطفی بیشتر به دختر

اسلام بین دختر و پسر فرق نمی‌گذارد و ملاک برتری را در تقوا می‌داند، خداوند به هر کس بخواهد دختر و به هر کس که خواست پسر می‌دهد. مهم این است که فرزند، سالم و صالح باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذَّكَوْرَ اَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَاُنثٰثًا وَّيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيْمًا اِنَّهٗ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ»؛ «خداوند به هر کس بخواهد دختر و به هر کس بخواهد پسر می‌دهد و یا پسر و دختر را با هم به وی عطا می‌کند و آن که را بخواهد نازا می‌نماید. به درستی که او دانای تواناست.»^۱ اسلام شدیداً سنت ناپسند و جاهلی اکراه از دختر داشتن را رد می‌کند و بر خلاف افکار ظاهر بین که پسر را بیشتر دوست می‌دارند، در بعضی از موارد دختر را برتر از پسر قلمداد می‌کند و دلیل آن را وجود پاره‌ای از ویژگی‌های ذاتی که در درون آن‌هاست، برمی‌شمارد. رسول خدا صلی‌الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلَطَّفَاتٌ مُّجَهَّزَاتٌ مُّؤْمِنَاتٌ مُّبَارَكَاتٌ مُّفْلِحَاتٌ»؛ دختران چه فرزندان خوبی هستند؛ با لطافت و مهربان، آماده به خدمت‌رسانی، یار و غمخوار [اعضای خانواده]، با برکت و پاکیزه کننده [در خانواده برای پدر و مادر]. و نیز فرموده‌اند: «اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى عَلٰى الْاُنَاثِ اَرْقٌ مِّنْهُ عَلٰى الذَّكَوْرِ»؛ خداوند متعال بر دختران مهربان‌تر است تا پسران. در برخی موارد دختران برتری نیز دارند. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَ الْبَنُونَ نِعْمَةٌ وَاِنَّمَا يُثَابُّ عَلٰى الْحَسَنَاتِ و يُسْأَلُ عَنِ النِّعْمَةِ»؛ «دختران نیکی و پسران نعمت‌اند و همانا بر نیکی‌ها پاداش داده و از نعمت‌ها سؤال می‌شود» [۱۲]. اسلام با در نظر داشتن روحیات لطیف دختر، به والدین دستور داده که در برخی از رفتارهای خانوادگی مانند تقسیم هدایا، دختران را مقدم شمارند.

۶) زیان عدم توجه به تربیت دختران

عدم توجه به تربیت دختران موجب پدید آمدن زیان‌هایی در جنبه فردی اجتماع است. در جنبه فردی عدم توجه به او موجب عدم رشد و عدم تعادل در قوای جسمی و فکری و روانی است سهل‌انگاری‌ها موجب خواهد شد که او در

۱. سوره شوری، آیه ۴۹.

امر تربیت رشد نکند، از مواهب حیات برخوردار نگردد و استعدادهایش همچنان دست نخورده و ناشکوفاً بماند. در جنبه اجتماعی خطر بالاتر از این است، از آن بابت که اگر دختران تربیت نشوند ملت و جامعه تربیت نخواهد شد کانون خانوادگی بعدی دیگر گرم نیست، رنگ و طراوت دلچسب را ندارد. فرزندان پرورده شده در آن خانه هرزه و بی‌بند و بار خواهند بود، از محبت و عواطف در آن خانه سراغی نیست. دریغ داشتن تربیت از دختران آن‌ها را در اجتماع انسانی در حد حیوانی تنزل خواهد داد که کارش تنها توالد و تناسل است. مسأله تعقل و تفکر، آینده‌نگری و جهان‌بینی برای او مطرح نخواهد بود، ضعف‌ها و نارسایی‌هایش تدریجاً به دیگران سرایت خواهد کرد، از اخلاق و ملکات فاضله خبری نخواهد بود ضمن اینکه نیمی از افراد جامعه عاطل و باطل می‌مانند. شاید بنا به همین جهت باشد که تربیت بهترین میراث والدین برای فرزندان و از نظر اسلامی خیر و نعمت به حساب می‌آید [۱۲].

۹- اصول تربیتی دختران

اصول تعلیم و تربیت، مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که باید راهنمایی مربیان، معلمان، مدیران، اولیای فرهنگ و والدین در کلیه اعمال تربیتی باشد [۱۳]. اصل، ابزار کار مربی و گاه متربی است تا به وسیله آن به هدف تربیتی خود برسند و هر اصلی متناظر با هدفی است و اصول خاصی را باید برای هدف‌های خاص بکار برد [۱۴]. دسته‌ای از اصول تربیتی برگرفته از حقیقت وجود انسانی است که شامل زن و مرد می‌شود. از این رو، رعایت این اصول تربیتی برای دختران و پسران و هر دو ضرورت دارد. برخی از این اصول عبارتند از:

۱. اصل تسهیل و تیسیر: فعل تربیتی رشد دهنده، باید از سخت‌گیری و خشونت به دور و بر سهل‌گیری و ملایمت استوار باشد.

۲. اصل تدرج و تمکن: باید در تمام مراحل تربیت، تمکن و توانایی افراد در نظر گرفته شود و آنان را به تدریج به سوی کمال سوق داد.

۳. ایجاد و محیط و زمینه سالم تربیتی: محیط مساعد تربیتی محیطی است که عاری از عوامل انحطاط و سردرگمی و سرشار از ایمان باشد.

۴. رعایت عدالت و مساوات: از وظایف مهم مربی این است که بین افراد متربی به رعایت مساوات پردازد. این حق مرزی میان دختر و پسر نمی‌شناسد و همه را یکسان می‌داند. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «تقوالله واعدلوا بین اولادکم کما تحبون ان یبروکم»؛ «از خدا بترسید و بین فرزندانان با عدالت رفتار کنید، همانگونه که دوست دارید آنان به شما نیکی کنند» [۱۵]. برنامه‌های تربیتی اسلام برای رسیدن انسان به هدف نهایی، برای زن و مرد متفاوت است و این تفاوت همانگونه که پیش‌تر بدان اشاره شد ناشی از تفاوت در شرایط جسمی و روحی، شرایط اجتماعی و وظایف و نقش‌های متفاوت آن دو می‌باشد. بنابراین، دسته‌ای از اصول تربیتی براساس شرایط خاص دختران، بر تربیت آن‌ها حاکم است یا دست کم برای تربیت آن‌ها ضروری‌تر است. در ذیل، به برخی از این اصول اشاره می‌شود:

الف) اصل پذیرش

یکی از مهم‌ترین اصول تربیت دختران این است که پدر و مادر، فرزند دختر را به عنوان نعمتی الهی پذیرا باشند و در تربیت و احترام به او اهتمام ورزند. در روزگاری که دختر، بی‌ارزش‌ترین موجود بود. پیامبر اکرم(ص) به لزوم تربیت و صیانت او فرمود و با تدابیر عاقلانه‌ای، مردم را متوجه حیثیت انسانی او نمود. نقل شده است که روزی پیامبر(ص) را به تولد فاطمه (علیهاالسلام) بشارت دادند. در این حال، حضرت که در چهره اصحابش غم و ناراحتی دید، خطاب به آن‌ها فرمود: «ما لکم ریحانه أشمّها و رزقها علی الله» [۱۶]. شما را چه می‌شود؟ چرا ناراحت شدید؛ این دختر گلی است خوشبو که بویش را احساس می‌کنم و روزی اش نیز بر خداست. عملکرد رسول اکرم(ص) در زمینه احترام و تربیت دختران، خود الگو و اسوه امت اسلامی بوده است. از عایشه نقل شده است که: «پیامبر همواره گلی فاطمه(علیهاالسلام) را می‌بوسید و آن را می‌بویید.» [۱۷]. ایشان در مورد ناراضی بودن از به دنیا آمدن دختران می‌فرمایند: «لاتکرهوا البنات فانهن المونسات» «از دختران کراهت نداشته باشید که مونس خوبی هستند.»

ب) درک و شناخت تحولات و شرایط بلوغ دختران

بلوغ جنسی در دختران زودتر از پسران است. مقدمات رشد آن در دختران از حدود ۹ سالگی و اوج رشد آن در ۱۸ سالگی است. مهم‌ترین علامت بلوغ در دختران، همان بروز قاعدگی است که در سنین ۱۲ تا ۱۳ سالگی شروع می‌شود [۶]. از این رو، هنگامی که دختر به سن ۹ تا ۱۲ سالگی پا گذاشت، باید آمادگی لازم را برای تغییرات ناشی از بلوغ داشته باشد. در این دوره لازم است اطلاعاتی کافی به دختران داده شود تا آن‌ها آماده پذیرفتن این تغییرات باشند. تشریح این گونه مطالب برای دختران پیش از رسیدن به مرحله بلوغ کامل جسمی ضروری است؛ چرا که در غیر اینصورت، ممکن است در برخورد با این مسأله دچار ترس و آشفتگی شوند [۱۸]. از سوی دیگر، دختران در این دوران براساس تغییرات بلوغ و بحران هویت، رفتار ناسازگار گونه‌ای دارند. دختران جوان در این دوره بسیار حساس و زودرنج هستند، برای قضاوت‌های دیگران راجع به خود اهمیت زیادی قایلند و در برابر انتقادهای نمی‌توانند خود را کنترل کنند. در این دوران، دختران کمتر منطقی فکر می‌کنند و بیشتر تقاضاهایشان براساس عواطف و احساسات صورت می‌گیرد. از این رو، از واقعیت‌گریزانند و بیشتر به رویاها و تخیلات شیرین خود پناه می‌برند! بنابراین، ارتباط صحیح دختران با والدین و بخصوص مادر، لازم و ضروری است تا این که این دوران تودم با سلامتی آن‌ها سپری شود و دختر جوان از این سن بر آشوب بگذرد و به او کمک شود تا به استقلال همه جانبه برسد [۱۹].

ج) ایجاد ملکه عفاف و تأکید بر حیا و حجاب

علت تأکید اصل عفاف در زنان و دختران به خاطر شرایط جسمی و روحی آن‌هاست. میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است و به تعبیر شهید مطهری، از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی. همچنان که از نظر تصاحب جسم، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از همین حس شکارچی او ناشی می‌شود [۲۰]. بنابراین، رعایت این اصل در دختران قبل از حضورشان در جامعه لازم و ضروری است. از زمینه‌ها و در عین حال، از آثار عفاف، احساس حیا و شرم از انجام کارهای زشت است. امیرالمؤمنین(ع) حیا را سبب عفت می‌نامند: «سبب العفة الحياء» [۲۱]. و هر قدر این احساس شرم از زشتی‌ها در انسان بیشتر باشد، عفت او نیز بیشتر

خواهد بود. بررسی ویژگی‌های زنان نمونه در قرآن، نشان می‌دهد که حیا و نجابت از مهم‌ترین خصایص آن‌ها به شمار می‌رود و سیمای آنان گویای این حقیقت است که آنان در رویارویی با مردان بیگانه از شرم و حیای خاصی برخوردار بوده‌اند. یکی از برنامه‌ها و تکالیفی که اسلام برای حفظ عفاف زن مورد تأکید قرار داده است، مسأله لزوم رعایت حجاب و پوشش است. حجاب به معنای پوششی خاص برای زن، امری است که اسلام آن را با ابعادش روشن ساخته است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۱

علت اختصاص این نوع حجاب به زنان این است که زنان و مردان در برخی خصلت‌ها یکسان نیستند و بر این اساس، احکام متفاوتی برای آن‌ها وضع شده است. از همین مقوله است تفاوت زن و مرد در تحریک‌گریزه جنسی. مردان زودتر از زنان برانگیخته می‌شوند؛ بسیاری از چیزهایی که برای مردان مهیج است، زنان را به تهییج و نمی‌دارد. بر این پایه، اگر قانون پوشش برای آن است که زمینه‌های تهییج جنسی در غیر محیط خانواده از میان برود، این واقعیت‌های متفاوت احکام ویژه‌ای را به دنبال می‌کشد [۲۲].

د) تبیین خطر تحریف زیبایی‌گرایی در دختران به تجمل‌گرایی و خودنمایی

همزمان با فرارسیدن روزهای جوانی و آشکار شدن زیبایی‌های جوانی، تمایل به خودآرایی نیز بطور طبیعی در فکر دختر جوان بیدار می‌شود و آنان را شیفته آرایش و خودسازی می‌کند. به عبارتی دیگر، عوامل بلوغ، خودبه‌خود به دختر جوان طراوت و جمال طبیعی می‌بخشد و از طرف دیگر، در باطن آن‌ها عشق تزیین و خودآرایی ایجاد می‌نماید و به تجمل و جلوه‌گری علاقه‌مندشان می‌کند. در این زمان است که اگر دختران با آموزه‌های دینی تربیت نشده باشند، این تمایل درونی آن‌ها به مرز جنون می‌کشد و محیط خانه و مجالس خانوادگی را برای ارضای این نیاز کافی نمی‌دانند و هر عامل بازدارنده از جمله حجاب را عامل ناکامی خود می‌دانند. اسلام، زن را به خودآرایی و عطرزدن در مقابل همسرش سفارش نموده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «جهاد المرأة حسن التبعل و قال لتطيب المرأة المسلمة لزوجها»؛ «جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است و زن مسلمان باید خود را برای همسرش خوشبو کند.» در عین حال، تزیین زنان در برابر نامحرم را نفی کرده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر زنی که برای غیر شوهرش خود را خوشبو کند، هیچ نمازی از وی پذیرفته نخواهد شد تا این که همانند غسل جنابت، خود را از آن بود شستشو دهد.» [۲۳]. انتقاد قرآن کریم به مشرکان در دختر شمردن فرشتگان یا نسبت دادن فرزند دختر به خداوند در آیه ۱۸ سوره «زخرف» بیانگر همین مسأله است: «أَوْ مَن يُنشأ فِي الْجَلِيَّةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ». لحن آشکار انتقادآمیز در این آیه به واسطه سوء رفتاری بود که در جاهلیت با زنان و دختران می‌کردند و آنان را درست تربیت نمی‌نمودند. خداوند از روی تعجب می‌فرماید: «چگونه چنین مخلوقی را به فرزند خدا نسبت می‌دهند که زندگی‌اش به آرایش و خودنمایی می‌گذرد و مرد میدان جدال و مقابله با خصم هم نمی‌باشد» [۲۴].

^۱. سوره احزاب، آیه ۵۹.

۱۰- بحث و نتیجه گیری

با عنایت به آنچه در تحقیق حاضر گذشت به روش توصیفی و کتابخانه‌ای که با استناد از قرآن کریم و سنت شریف نبوی و همچنین احادیث و روایات تحقیقات و مطالعات انجام شده در مقام نتیجه‌گیری یافته‌های تحقیق با توجه به پرسش‌های تحقیق عبارتند از:

(۱) شخصیت کودکان از همان اوائل تکوین آن‌ها شکل می‌گیرد و عناصری چون شخصیتی، اخلاقی، تربیتی، اعتقادی و حتی اقتصادی والدین، شیر مادر و... از مواردی هستند که روی رفتار آینده کودکان بسیار تأثیر گذار است و از آن جا که تربیت از نظر مفهوم شناسی و نظر اهل لغت به معنای اصلاح و هدایت و کنترل رفتار فرد است. پس این مسئولیت نگهداری کودکان باید با ابزاری باشد که مشروعیت دارد از یک سو تأثیر گذار باشد از جانب دیگر در حوزه و دستورات فقهی و روایی اسلام در باب تربیت کودکان زمینه و شرایط را لحاظ کرده است که هر کدام نقش خود را دارد و برای تبیین این موضوع از منابع فقهی و منظر فقهاء استفاده شده است.

(۲) از نظر فقهای محترم از ولادت نوزاد مهمترین مسئله، نگهداری و تربیت اوست، تا اینکه به سن رشد برسد. از آنجایی که تربیت به معنای فعالیت مرتبی و مترتی در مقام تربیت و اصلاح است و بنابراین رفتارها و فعالیت‌های جهت‌دار، آگاهانه، منطقی و براساس تشخیص مصلحت و مفید در میان جامعه است، مبتنی بر اهداف ویژه خود بوده است و اگر برای رسیدن به اهداف مورد نظر از برخی ابزارها و شیوه‌های متناسب و مشروع استفاده شود عمل وی از مطلوبیت برخوردار می‌باشد زیرا که در آن آثار تربیت و در این میان تربیت کودکان از وظایف خطیر کسانی است که در پی حفظ ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی هستند این تربیت و ارائه راه درست و معقول پیش روی آن‌ها به مثابه صیانت از کل جامعه است زیرا که کودکان بزرگان و شخصیت‌های آینده‌اند و اگر بدرستی تربیت شوند در واقع افراد جامعه اصلاح و هدایت شده‌اند و بنابراین برای انجام این امر خطیر استفاده از برخی روش‌ها برای زمینه سازی تربیت کودکان را نمی‌توان از نظر دور داشت.

(۳) دختران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. جایگاه آنان در نهاد خانواده، اجتماع، مدرسه و ... دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشد. اسلام تربیت دختران را نسبت به پسران خاص می‌داند و برنامه دینی و اخلاقی دختران را مقدم بر دیگر برنامه‌ها می‌داند. یافته بدست آمده در این پژوهش مبنی بر این است که هیچکدام از ادیان مانند دین اسلام این چنین دختران را منزلت نداده است و به نظر پژوهشگر دختران باید ارزش خود را بدانند و در خصوص بدست آوردن آگاهی‌های دینی جهت ارتقاء بینش تربیتی صحیح کوشا باشند.

(۴) در رابطه با تفاوت قوانین حقوقی بین دختران و پسران ما می‌دانیم دختران از لحاظ جسمی و روانی تفاوت‌های ویژه‌ای با پسران دارند. دختران در حقوق با پسران برابرند ولی مشابه نیستند با توجه به پژوهش مورد نظر می‌توان در خصوص حقوق دختران بررسی‌های دیگری صورت گیرد. از جمله در نظر گرفتن روش‌های آموزشی متفاوت برای دختران در مراکز آموزشی می‌تواند آن‌ها را با حقوق حقه‌ی خود آشنا سازد.

(۵) با مطالعه‌ی وضعیت پیشین دختران و مقایسه‌ی آن با وضعیت کنونی در می‌یابیم که دختران در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی فرهنگی فعالیت‌های زیادی را در سطح جامعه انجام داده‌اند. دختران امکان کسب مهارت و تجربه‌های عملی را پیدا کرده‌اند و توانسته‌اند نوآوری‌های بسیاری در موقعیت‌های علمی از خود بروز دهند. به برکت

اسلام تحولی عظیم در نفوس زنان جامعه به وجود آمده است. دختران امروز باید با حفظ عفت و نجابت خود به فعالیت‌های خود در اجتماع ادامه دهند و گرنه در سال‌های آتی زیان‌های جبران‌ناپذیری به قشر دختران وارد خواهد شد که همچون کالای تبلیغاتی از او استفاده خواهد شد.

۶) راهکارهای متعددی به رسیدن دختران به آن شرایط ایده‌آلی که اسلام ترسیم نموده وجود دارد که پرورش فکر و خرد و روان و همچنین آموزه‌های دینی و اخلاقی و پرورش دختران از نظر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی نیز تأثیر گذار خواهد بود. حال برای انجام این راهکار نیاز به یک متربی دانا و توانا با بینش اسلامی وجود دارد و این امر میسر نخواهد بود مگر با اعمال روش‌های تربیتی صحیح که از سوی مسئولین تعلیم و تربیت باید در نظر گرفته شود.

۷) آموزش والدین در رابطه با چگونگی تربیت صحیح دختران از دیگر موارد مهم می‌باشد. نیازهای والدین از دختران و به طور متقابل دختران از سوی والدین باید در نظر گرفته شود و با توجه به مطالعات انجام شده به نظر می‌رسد که نیازهای دختران با توجه به روند پیشرفت جامعه از تحول و تغییر خواسته‌های آنان نسبت به گذشته خبر می‌دهد. والدین باید وقت خود را نسبت به این مسأله معطوف دارند.

۸) همچنین کمال و رشد شخصیت دختران از اهمیت بالایی برخوردار است. چراکه عدم رشد شخصیتی دختران موجب ناآرامی در نهاد خانواده خواهد شد. هر اندازه که کمال دختران افزایش پیدا کند و اعتقاد آن‌ها نسبت به حقایق و تعالیم الهی محکم‌تر باشد. فرزندان آینده نیز از تربیت صحیح اسلامی برخوردار خواهد بود.

۹) برخی از باورهای فرهنگی موجود در خانواده‌ها به ضرر دختران می‌باشد که به نظر محقق باید مورد تجدید نظر و بازبینی قرار گیرد. به عنوان مثال مسئولیت بیشتری که در خانواده بردوش دختران قرار می‌گیرد منجر به محدودیت‌هایی از لحاظ تحصیلات و مشارکت آنان در جامعه شده است.

با عنایت به آنچه که به اختصار بیان شد، تاریخ نشان می‌دهد مسلمان بر آشنایی فرزندان‌شان با سنت و سیره نبوی و تربیت آنان بر پایه معیارها و الگوهای رفتاری آن حضرت همت گماشته‌اند [۲۵].

اهتمام اصحاب و محدثان بر ثبت و ضبط و فراگیری و آموزش سیره پیامبر (ع) و دیگر معصومان (ع) ریشه در اعتبار و حجیت سیره و سنت آنان و نقش و کارکردهای فقهی، اخلاقی و تربیتی دارد.

در تحقیق حاضر نقش سیره و کاربردهای گوناگون آن در تربیت دختران از منظر فقه امامیه بررسی شد؛ زیرا همان‌گونه که سیره معصومان (ع) می‌تواند از نگاه اصولی- فقهی منبعی برای استنباط‌های فقهی قرار گرفته و در منابع فقهی نقش مکمل احادیث را ایفا کند، از نگاه اخلاقی و تربیتی نیز می‌تواند نقش‌ها و کارکردهای آموزشی، تقویتی، الگوسازی و مانند آن را بیافریند. بنابراین همان‌طور که «نقل تاریخی» سیره دارای ارزش تاریخی است، بررسی تحلیل و تنظیم سیره تربیتی به دلیل اعتبار و حجیت آن، دارای ارزش فقهی، شرعی و دینی است و نباید از آن غفلت شود. یکی از قلمروهای مهم در سیره معصومان (ع)، قلمرو تربیتی است. در واقع جمع‌آوری همه رفتارهایی که در مقام اثرگذاری بر شخصیت و رفتار دیگران از آنان گزارش شده است می‌تواند ذخیره‌ای گرانبها در بازشناسی و پژوهش در زمینه تربیت اسلامی باشد.

۱. علامه مجلسی، م. بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴۳، ص، ۱۹. ۱۳۶۴.
۲. قائمی، ع. اسلام و تربیت دختران، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۲.
۳. حجتی، م. اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ یازدهم، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
۴. اکبری، م. پیام امام صادق، جوانان را دریابید!، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۴۰، ۱۳۷۹.
۵. قائمی، ع. سازندگی و تربیت دختران، تهران، انجمن اولیاء مربیان، ۱۳۷۱.
۶. قائمی، ع. دنیای نوجوانی دختران، چاپ دوم، تهران: امیری، ص ۱۱۴، ۱۳۷۳.
۷. قمی، ش. سفینه البحار، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ص ۴۱۰، ۱۳۷۴.
۸. کلاین برگ، ا. روانشناسی اجتماعی، ترجمه محمدعلی کاردان، چاپ پنجم، تهران: اندیشه، ص ۳۱۴، ۱۳۵۲.
۹. بی‌ریا، ن. و همکاران، روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، چاپ پنجم، قم: بعثت، ج ۲، ص ۱۰۳۴، ۱۳۷۴.
۱۰. صدر، ح. حقوق زن در اسلام و اروپا، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران، ص ۱۷۱، ۱۳۱۹.
۱۱. شهرآرا، م. تحلیلی بر نگرش دختران امروز زنان فردا، سیمای دخترچپه‌ها در جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات)، تهران: دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، ص ۵۳، ۱۳۷۴.
۱۲. حرّ عاملی، م. وسائل الشیعه، چاپ ششم، تهران اسلامیه، ج ۱۵، ص ۱۹۵، ح. ۱۳۶۷. ۸. (۱۴۰۹).
۱۳. شریعتمداری، ع. اصول تعلیم و تربیت، چاپ دوازدهم، تهران: دانشگاه تهران، ص ۸۱، ۱۳۷۹.
۱۴. رفیعی، ب. آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران: سمت، ج ۳، ص ۱۳۰، ۱۳۸۱.
۱۵. احمدی، ا. اصول و روش‌های تربیت در اسلام، چاپ سوم، تهران: جهاد دانشگاهی، ص ۲۴۹، ۱۳۷۲.
۱۶. ابن بابویه القمی (شیخ صدوق)، م. الخصال، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ص ۲۰۲، ۱۴۰۳.
۱۷. اربلی، ع. کشف الغمّه، تبریز: مکتبه نبی هاشمی، ج ۱، ص ۵۴۹، ۱۳۸۱.
۱۸. انوشه، م. رسالت نشریات و مطبوعات در بهداشت دوران بلوغ، سیمای دخترچپه‌ها در جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات)، تهران: دفتر امور زنان و نهاد ریاست جمهوری، ص ۷۸، ۱۳۷۴.
۱۹. راشدی، ل. دانستنی‌های دختران جوان، قم: مصطفی، ص ۶۷، ۱۳۷۷.
۲۰. مطهری، م. مسأله حجاب، چاپ چهل و هشتم، قم: صدرا، ص ۸۸، ۱۳۷۲.
۲۱. تمیمی آمدی، ع. غررالحکم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۵۵۲۷، ص ۲۵۷، ۱۳۶۶.
۲۲. مهریزی، م. آسیب شناسی حجاب، تهران: جوانه رشد، ص ۷۷، ۱۳۷۹.
۲۳. نخعی، ز. علل ضعف پوشش و راهکارهای بهینه‌سازی آن، بانوان شیعه، ش ۱۰، ص ۱۲۲، ۱۳۸۵.
۲۴. میرزاخسروانی، ع. تفسیر خسروی، تهران: اسلامیه، ج ۷، ص ۲۹، ۱۳۹۰.
۲۵. سوید، م. التریبۃ النبویة للطفل، چاپ پنجم، بیروت: دارابن کثیر، ص ۹۹، ۱۴۱۶.